

بررسی سبک‌های غالب یادگیری ادراکی میان دانشجویان زبان انگلیسی

اسحق اکبریان*

دانشیار، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران

جواد قاسمی رزوه**

کارشناسی ارشد، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۶/۰۹/۰۶، تاریخ تصویب: ۹۷/۰۶/۲۶، تاریخ چاپ: مهر ۱۳۹۷)

چکیده

شیوه متفاوت درک، سازماندهی، و نگهداری داده‌های زبان‌آموزان، سبک یادگیری نامیده می‌شود. استفاده بیشتر و کمتر از سبک خاصی، به ترتیب اولویت اصلی و فرعی تلقی می‌شود. مقاله حاضر به شناسایی سبک‌های غالب یادگیری ادراکی بین دانشجویان زبان انگلیسی می‌پردازد. پاسخ ۲۳۵ دانشجوی زبان انگلیسی به پرسشنامه سبک‌های غالب یادگیری ادراکی رید (۱۹۸۴) نشان داد که سبک‌های یادگیری شنیداری، دیداری، بساوایی، و جنبشی، اولویت اصلی بوده، ولی یادگیری فردی و گروهی، اولویت فرعی است. متغیرهایی مانند جنسیت، سن، ترم و مقطع تحصیلی، سطح بسندگی، و رشته تحصیلی نقش به سزا و متفاوتی در سبک یادگیری دانشجویان دارد. شیوه یادگیری شنیداری، اولویت فرعی دانشجویان پسر و اولویت اصلی دانشجویان دختر است. همچنین، متغیر سن و سبک بساوایی، و مقطع تحصیلی و سبک‌های بساوایی و دیداری، رابطه معناداری را نمایان می‌سازد. متغیر ترم تحصیلی و سطح بسندگی با سبک خاصی، تفاوت معنادار ندارد، ولی بین رشته تحصیلی و سبک یادگیری بساوایی، تفاوتی معنادار دیده می‌شود. یافته‌های نشان می‌دهد که معلمان زبان باید توجه خاص و زیادی به روش‌های گوناگون تدریس و مواد آموزشی متنوع، برای واکنش به سبک‌های یادگیری متفاوت به هنگام تدریس داشته باشند.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های یادگیری، سبک‌های غالب یادگیری ادراکی، یادگیری فردی و گروهی، رشته تحصیلی، جنسیت، سن، مقطع تحصیلی.

* E-mail: i.akbarian@qom.ac.ir; ishaaq.akbarian@gmail.com; نویسنده مسئول

** E-mail: javadqasemi1@yahoo.com

۱- مقدمه

اهمیت زبان انگلیسی به عنوان زبان بین‌المللی بر هیچ کسی پوشیده نیست. یادگیری این زبان برای ارتباط بین جوامع و فرهنگ‌های مختلف، نقش به‌سزایی ایفا می‌کند. از اواسط دهه ۱۹۶۰ به بعد، تغییر نگرش در آموزش زبان ایجاد شد که به موجب آن بیشتر تمرکز بر روی رویکرد شناختی^۱ از مدل پردازش اطلاعات قرار گرفت (ر.ک. آکسفورد^۲، ۱۹۸۹؛ هایلند^۳، ۱۹۹۳). پژوهش‌ها نشان داد که عوامل زیادی در یادگیری زبان تاثیرگذارند (ر.ک. دورنیسی^۴، ۲۰۰۵). تفاوت‌های فردی، شامل سبک‌های یادگیری، سن، جنسیت، و راهکارهای یادگیری، یکی از عوامل در یادگیری زبان‌ند (رید^۵، ۱۹۸۷). یافته‌های پژوهشگرانی همچون رید (۱۹۸۷) و روسی‌لی^۶ (۱۹۸۹) نشان داد که هر فراگیر، سبک یادگیری مخصوص به خود را دارد و سبک‌های یادگیری، نقش مهمی در یادگیری زبان دارند. تقریباً چهار دهه گذشته، سبک یادگیری از زیر مجموعه سبک‌شناختی در رشته روانشناسی مطرح شد (استرنبرگ و گریگرنکو^۷، ۱۹۹۷). فرضیه مشترک بین پژوهشگران درباره بررسی سبک‌های یادگیری این است که هنگامی که اطلاعات همگون با سبک یادگیری فراگیران زبان همراه باشد یادگیری هم افزایش می‌یابد (مانت گومری^۸، ۱۹۹۵؛ ناصریه و عنانی سراب، ۲۰۱۳). پرسشنامه سبک‌های غالب یادگیری ادراکی رید (۱۹۸۴)، سبک‌های اولویت اصلی را به عنوان خط مقدم در یادگیری مشخص می‌کند. همچنین رید (۱۹۹۵) بیان می‌کند که سبک یادگیری فرعی، سبکی است که فراگیر در فرایند یادگیری با آن مشکلی نداشته باشد و سبک یادگیری منفی ترجیحی است که با استفاده از آن، فراگیر با مشکل روبه‌رو است. این پرسشنامه از نوع خودسنجی است شامل ۴ کانال یادگیری (شنیداری، دیداری، جنبشی، و بساواپی) و دو نوع سبک اجتماعی (انفرادی و گروهی) است. رید (۱۹۸۷، ص ۸۹) سبک یادگیری ادراکی را این‌گونه تعریف می‌کند: «اصطلاحی است که اختلاف میان فراگیران در استفاده از یک یا چند حس برای درک، سازماندهی، و حفظ اطلاعات را توصیف می‌کند».

1. Cognitive
2. Oxford
3. Hayland
4. Dörnyei
5. Reid
6. Rossi-Le
7. Sternberg & Grigorenko
8. Montgomery

مسئله مهم درباره سبک‌های یادگیری این است که فراگیران، اطلاعی درباره سبک یادگیری خود ندارند. پژوهشگرانی چون رید (۱۹۸۷)، پیکاک^۱ (۲۰۰۱)، ارمن^۲ (۱۹۹۹) براین باورند که اختلاف بین سبک تدریس و سبک یادگیری باعث عدم موفقیت در یادگیری، سرخوردگی فراگیران، و کاهش انگیزه در آن‌ها می‌شود. ارمن (۱۹۹۶، ص ۵۰) همچنین ادعا می‌کند که «عدم تطابق بین سبک یادگیری و تدریس، ریشه بسیاری از مشکلات یادگیری است». در ایران، اهمیت چندانی به سبک‌های یادگیری داده نمی‌شود (ناصریه و عنانی سراب، ۲۰۱۳). مسئله زمانی پیچیده‌تر می‌شود که متغیرهایی مانند سن، جنسیت، رشته تحصیلی، و غیره در تغییر سبک‌های یادگیری نیز دخالت دارند.

بنابراین پژوهش حاضر، باعث گسترش و فزونی یافته‌های پژوهش‌های پیشین درباره سبک‌های غالب یادگیری فراگیران زبان انگلیسی می‌شود. همچنین، نتایج این پژوهش می‌تواند الگوی سبک‌های یادگیری دانشجویان زبان انگلیسی را در ایران مشخص کند که متعاقباً باعث ارائه الگویی آموزشی و رویکردی مناسب شود که با سبک‌های یادگیری ادراکی فراگیران هم‌خوانی داشته باشد. مدرسان زبان می‌توانند مطالبی آموزشی را ارائه دهند که با سبک‌های غالب یادگیری فراگیران تطابق دارد. با توجه به اهمیت سبک‌های غالب یادگیری ادراکی و جایگاه آن‌ها در یادگیری زبان‌های خارجی، عواملی از قبیل جنسیت، سن، رشته، و مقطع تحصیلی و تأثیر آن‌ها با سبک‌های یادگیری نیز بررسی شده است. سرانجام، اسیمونگر و شپارد^۳ (۲۰۰۳) از پژوهشگران این گستره براین باورند که پژوهش‌های بیشتری در زمینه سبک‌های یادگیری فراگیران مربوط به هر کشور لازم است. پژوهش حاضر، پاسخ مثبتی به درخواست این پژوهشگران می‌باشد. بنابراین، در پژوهش حاضر، سعی شده به سوالات زیر پاسخ داده شود:

۱. سبک‌های یادگیری ادراکی بین دانشجویان رشته زبان انگلیسی در ایران چیست؟
۲. آیا متغیرهایی نظیر سن، جنسیت، رشته تحصیلی، و مقطع تحصیلی این دانشجویان بر سبک‌های یادگیری ادراکی آنان تأثیر می‌گذارد؟

1. Peacock

2. Ehrman

3. Isemonger & Sheppard

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- سبک‌های یادگیری

دورنی (۲۰۰۵) مدعی است که تفاوت‌های فردی، مهم‌ترین و سازنده‌ترین مولفه در یادگیری زبان دوم است. ارمن و آکسفورد^۱ (۱۹۹۵)، تفاوت‌های فردی را شامل سن، جنسیت، اضطراب، استعداد، انگیزش، عزت‌نفس، تحمل ابهام، ریسک‌پذیری، سبک‌های یادگیری زبان، و راهبردهای یادگیری زبان می‌دانند. بنابراین، سبک یادگیری یکی از جنبه‌های مهم تفاوت‌های فردی است. آکسفورد (۱۹۸۹، ص ۲۱) ادعا می‌کند که از این میان «سبک‌های یادگیری و راهبردهای یادگیری از مهم‌ترین متغیرهای تاثیرگذار در عملکرد فراگیری زبان دومند». سلان^۲ (۱۹۵۴) اولین محققی بود که از اصطلاح «سبک یادگیری» در زمینه بحث پویایی گروهی استفاده کرد. سبک‌های یادگیری انواع گوناگونی دارند، که شامل سبک‌های یادگیری، سبک‌های شناختی، سبک‌های تفکر، و غیره است.

سبک‌های یادگیری را می‌توان به عنوان رویکردها و روش‌های گوناگون برای یادگیری تعریف کرد. رید (۱۹۹۵، ص viii) بیان می‌کند که سبک‌های یادگیری، «رویکرد طبیعی، عادت، و مورد علاقه فرد است که برای جذب، پردازش و حفظ اطلاعات و مهارت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد» و اگر با سبک آموزش جور و همسو نباشند، موجب عدم موفقیت، ناامیدی، و کاهش انگیزه برای زبان‌آموز خواهد شد. او آن‌ها را ویژگی‌های شخصیتی می‌داند و سبک‌های یادگیری را به سبک‌های شناختی و سبک‌های یادگیری حسی تقسیم می‌کند. سبک‌های شناختی به چگونگی پردازش داده‌ها می‌پردازد، و نظیر سبک‌های یادگیری زمینه-وابسته و زمینه-مستقل، سبک‌های یادگیری کل‌نگر-خردنگر، و سبک‌های یادگیری تفکری و تکانشی می‌باشند. سبک‌های یادگیری حسی به حواس پنجگانه در شرایط مختلف یادگیری بر می‌گردد. این سبک‌ها، شامل سبک‌های یادگیری ادراکی، محیطی، و شخصیتی است که در این مرحله تمرکز بیشتر بر روی سبک‌های یادگیری ادراکی است.

سبک‌های یادگیری ادراکی، شامل سبک‌های دیداری، شنیداری، بساوابی، جنبشی، و دو مقوله اجتماعی یادگیری فردی و گروهی است: ۱) سبک‌های یادگیری ادراکی دیداری: فراگیران دیداری، از طریق دیدن مطلب را بهتر یاد می‌گیرند. آن‌ها بیشتر تمایل به خواندن اطلاعات، کتاب کار، و خواندن لغت دارند. آن‌ها باید راهکارهای کتبی داشته باشند تا بتوانند

1. Ehrman & Oxford

2. Thelen

به خوبی در کلاس عمل کنند (آکسفورد، ۱۹۹۵، ص ۳۵). ۲) سبک‌های یادگیری ادراکی شنیداری: فراگیران این سبک دوست دارند که مطالب به صورت شفاهی ارائه شود و از طریق گوش دادن به سخنرانی‌ها و مباحثه مطالب لذت می‌برند. این دانش‌آموزان به طور معمول فقط نیاز به دستورالعمل‌های شفاهی دارند (آکسفورد، ۱۹۹۵، ص ۳۶). ۳) سبک‌های یادگیری ادراکی بساویی: در این سبک فراگیران تمایل دارند که مطالب را با ساختن مدل در آزمایشگاه به صورت تماس مستقیم با دست فرا بگیرند. آن‌ها ترجیح می‌دهند مطالب را بنویسند. یادداشت برداری، مصاحبه با دیگران به این افراد در یادگیری کمک می‌کند (رید، ۱۹۸۷، ص X). ۴) سبک‌های یادگیری ادراکی جنبشی: فراگیران این نوع سبک بیشتر با حرکت و درگیر شدن در کار کلاسی مطلب را فرا می‌گیرند. آن‌ها نمی‌توانند به مدت طولانی روی صندلی بنشینند. فعالیت‌هایی مانند اجرای نقش در فرایند یادگیری به آن‌ها کمک می‌کند (رید، ۱۹۸۷، ص X). ۵) سبک یادگیری انفرادی: این نوع افراد بیشتر تمایل دارند به صورت انفرادی مطلب را فرا بگیرند (رید، ۱۹۹۵، ص X). ۶) سبک یادگیری گروهی: این نوع افراد بیشتر تمایل دارند به صورت کار گروهی و از طریق کار با دیگران مطلب را فرا بگیرند (رید، ۱۹۹۵، ص X).

ممکن است برخی با سبک شنیداری موثرتر بیاموزند، لیکن برخی دیگر ممکن است از طریق چشم (دیداری) به طور موثرتری مطلب را فرا بگیرند (رید، ۱۹۸۷). زمینه‌های فرهنگی گوناگون، الگوهای سبک‌های یادگیری ادراکی را مشخص می‌کنند (رید، ۱۹۸۷، ۱۹۹۵؛ روسی‌لی، ۱۹۸۹، ۱۹۹۵؛ ارلی و آنگ^۱، ۲۰۰۳؛ جوی و کلب^۲، ۲۰۰۹). برای مثال، جوی و کولب (۲۰۰۹) نقش فرهنگ در شکل‌گیری سبک‌های یادگیری فراگیران را بررسی کردند. این پژوهشگران فرهنگ را به عنوان افراد آن «کشور» در نظر گرفتند. یافته‌ها نشان داد که بیشترین تاثیر بر سبک‌های یادگیری مربوط به فرهنگ، سطح تحصیلات، و حیطه تخصصی بوده است. افزون بر این، با توجه به نقش جنسیت، دیوگ^۳ (۲۰۰۴) بحث می‌کند که سبک‌های یادگیری دیداری، بساویی، و جنبشی بیشتر مربوط به مردان‌اند و زنان در مقایسه با مردان بیشتر تمایل به سبک گروهی و شنیداری دارند. در همین راستا، آکسفورد (۱۹۹۵، ص ۳۶) می‌گوید: «معلمانتان انتظار دارند که فراگیران مرد بیشتر سبک‌های بساویی و جنبشی باشند».

1. Earley & Ang
2. Joy & Kolb
3. Dybvig

اما به دلیل اهمیت سبک‌های یادگیری در فراگیری زبان، پژوهش‌های متعددی با پرسشنامه‌های گوناگونی انجام شده است که یکی از این پرسشنامه‌ها برای غیرانگلیسی‌زبانان، پرسشنامه سبک‌های غالب یادگیری ادراکی رید (۱۹۸۴) است. رید (۱۹۸۴) نخستین پژوهشگری بود که این پرسشنامه را طراحی کرد. پژوهش اصلی در سال ۱۹۸۷ در دانشگاه ایالتی کولارادو انجام شد. این پژوهش بین ۱۳۸۸ نفر برای پی بردن به سبک‌های غالب یادگیری ادراکی دانشجویان از کشورهای مختلف صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد که سبک‌های یادگیری غیرانگلیسی‌زبانان با انگلیسی‌زبانان متفاوت است. سبک‌های یادگیری افراد فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر تفاوت دارند. متغیرهایی مانند سن، مدت اقامت در آمریکا، رشته تحصیلی، مدت مطالعه زبان انگلیسی در آمریکا، جنسیت، مقطع تحصیلی در شکل‌گیری سبک‌های یادگیری تاثیر دارند.

روسی‌لی (۱۹۸۹) به بررسی رابطه سبک‌های غالب یادگیری با روش‌های یادگیری در ۱۴۷ تن از مهاجران که زبان انگلیسی می‌خواندند پرداخت. نتایج حاکی از آن بود که سبک‌های اصلی دانشجویان، سبک‌های بساواپی و جنبشی بودند و دانشجویان مرد اختلاف معناداری در استفاده از سبک بساواپی با زنان دارند.

ملتن^۱ (۱۹۹۰) سبک‌های غالب یادگیری ۳۳۱ دانشجو را در ۵ دانشگاه مورد مطالعه قرار داد. در مطالعه او، دانشجویان چینی دارای چندین سبک یادگیری اصلی (بساواپی، جنبشی، و فردی) بودند. سبک‌های فرعی دانشجویان، سبک‌های دیداری و شنیداری بودند در حالی که سبک گروهی، سبک منفی بین آن‌ها بود. مردان سبک‌های یادگیری بساواپی و انفرادی را سبک اصلی ترجیح داده و زنان سبک‌های شنیداری و جنبشی را نسبت به مردان بیشتر ترجیح می‌دادند. در استفاده از پرسشنامه، هم به زبان چینی و هم به زبان انگلیسی، اختلاف معناداری بین آن‌ها مشاهده نشد.

هایلند (۱۹۹۳) در بررسی سبک‌های غالب یادگیری ادراکی برای ۴۴۰ دانشجو متشکل از ۸ دانشگاه در ژاپن و یک کالج در نیوزلند به این نکته پی برد که ژاپنی‌ها سبک یادگیری اصلی ندارند. نتایج او با یافته‌های رید (۱۹۸۷) همسو بود. دانشجویان سبک‌های دیداری و گروهی را سبک‌های فرعی خود در نظر گرفتند. میانگین نمره زنان در همه سبک‌ها از مردان بیشتر بود.

1. Melton

پیکاک (۲۰۰۱) با استفاده از پرسشنامه رید (۱۹۸۷) و انجام مصاحبه به بررسی سبک‌های یادگیری ۲۰۶ دانشجوی دانشگاه هنگ‌کنگ پرداخت. دانشجویان هنگ‌کنگ دارای سبک‌های یادگیری جنبشی و شنیداری بوده و تمایل کمتری نسبت به سبک فردی و گروهی داشتند. یافته‌ها نشان داد که دانشجویانی که دارای سبک یادگیری گروهی بودند مهارت انگلیسی ضعیف‌تری داشتند. دانشجویان رشته علوم انسانی، در مقایسه با رشته تجربی (پزشکی) تمایل بیشتری به استفاده از سبک‌های شنیداری و فردی داشتند و دانشجویان رشته تجربی سبک یادگیری فردی را اولویت منفی و سبک یادگیری گروهی را به عنوان سبک فرعی خود انتخاب کردند.

پارک^۱ (۲۰۰۲) با استفاده از پرسشنامه رید (۱۹۸۷) سبک‌های یادگیری ادراکی زبان‌آموزان را در ارتباط با جنسیت، سطح زبانی، و طول مدت اقامت در آمریکا مورد بررسی قرار داد. یافته‌ها نشان داد که تفاوت معناداری میان جنسیت و سبک‌های یادگیری مشاهده نشد، و اما بین سطح دانش زبانی و سبک‌های یادگیری تفاوت معناداری وجود دارد. داده‌های بدست آمده حاکی از آن بود که زبان‌آموزان سطح متوسط نسبت به سطح پایین‌تر، بیشتر از سبک یادگیری شنیداری استفاده می‌کنند.

اسیمونگر و شپارد (۲۰۰۳) رابطه فرهنگ با سبک‌های یادگیری را در بین ۷۱۰ دانشجوی کره‌ای مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های مربوط به جنسیت نشان داد که زنان نسبت به مردان اختلاف معناداری در استفاده از سبک‌های یادگیری جنبشی و گروهی را نشان دادند. افرادی که به کشورهای انگلیسی‌زبان سفر کرده بودند، نسبت به کسانی که در کره درس خوانده بودند، تفاوت معناداری در استفاده از سبک‌های شنیداری و جنبشی داشتند. اختلاف معناداری بین متغیرهای سن و رشته تحصیلی در رابطه با سبک‌های یادگیری مشاهده نگردید. در مقایسه با دانشجویان سال اولی‌ها، دانشجویان سال چهارمی بیشتر از سبک شنیداری استفاده می‌کردند.

فاطمی‌حسینی و پیشقدم (۱۳۸۷) پژوهشی برای تعیین رابطه فرهنگ با سبک‌های یادگیری ادراکی انجام دادند. شرکت‌کنندگان شامل ۴۰۰ دانشجو در رشته‌های تحصیلی ادبیات انگلیسی، علوم انسانی، پزشکی، و مهندسی (رده سنی ۱۸ تا ۲۶ سال) از دانشگاه‌های تهران و مشهد

1. Park

بودند. نتایج نشان داد که سبک‌های غالب یادگیری دانشجویان، بساواپی و جنبشی می‌باشد و دانشجویان کمترین تمایل نسبت به استفاده از سبک انفرادی داشتند. این پژوهشگران در چکیده مقاله خود نوشته بودند که: «تفاوت معناداری بین جنسیت، سن و سطح بسندگی و استفاده از سبکی خاص مشاهده نشد». اما در بخش نتایج، یافته‌ها تفاوت‌های معناداری را نشان می‌دهد که با گفته آن‌ها در تضاد است. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق آزمون تی نشان داد که رابطه معناداری بین سن و جنسیت و استفاده از سبک یادگیری ادراکی خاصی وجود دارد. برای مثال، زن‌ها نسبت به مردان از سبک یادگیری شنیداری بهره بیشتری می‌برند. مردان بیشتر از زنان، از سبک‌های یادگیری جنبشی و بساواپی بهره می‌برند. تفاوت معناداری میان نوع رشته و سبک یادگیری جنبشی وجود دارد، بدین معنی که دانشجویان گروه مهندسی نسبت به رشته‌های علوم انسانی بیشتر از سبک جنبشی استفاده می‌کنند. گروه‌های سنی مختلف، سبک خاصی را ترجیح می‌دهند. در نهایت، در رابطه با سطح بسندگی، تأثیر معناداری با سبک‌های جنبشی و بساواپی دارد.

نکته مهم این است که این پژوهشگران توضیح نمی‌دهند که بر اساس چه استدلالی سبک‌های بساواپی و جنبشی را به عنوان سبک‌های غالب معرفی کردند. با توجه به اینکه آن‌ها از پرسشنامه رید (۱۹۸۷) استفاده کردند، هیچ نکته‌ای درباره سبک‌های اصلی، فرعی، و منفی در مقاله آن‌ها ذکر نشده است. در مقایسه متغیرهایی مانند سن، جنسیت و سطح بسندگی با سبک‌های غالب یادگیری هیچ گزارشی از میانگین نمرات سبک‌ها در گروه‌های مختلف ارائه نشده است. در نهایت هم، درباره یافته‌ها هیچ بحثی نشده است.

ریاضی و منصوریان (۲۰۰۸) پژوهشی در ارتباط با سبک‌های یادگیری ادراکی را با ۳۰۰ دانش آموز ایرانی (۱۵۰ مرد ۱۵۰ زن) انجام دادند. یافته‌ها نشان داد که سبک‌های یادگیری دیداری، شنیداری، بساواپی، و جنبشی جزء سبک‌های اصلی و سبک‌های یادگیری انفرادی و گروهی جزء سبک‌های فرعی دانش‌آموزان است. مردان سبک یادگیری گروهی را سبک اصلی خود دانسته و زنان تمایل کمتری به کار گروهی دارند.

ناصریه و عنانی سراب (۲۰۱۳) در پژوهشی که روی سبک‌های یادگیری ادراکی ۱۳۸ دانشجوی دانشگاه شهید بهشتی انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که سبک‌های غالب ادراکی دانشجویان شامل شنیداری، بساواپی، و جنبشی است. سبک‌های یادگیری دیداری و فردی

اولویت فرعی و سبک یادگیری گروهی سبک منفی آن‌ها است. مردان بیشتر تمایل به کار انفرادی دارند در حالی که زنان سبک یادگیری گروهی را بیشتر ترجیح می‌دهند. پاسخ دهندگان زیر ۲۳ سال، نسبت به افراد بالای ۲۳ سال بیشتر، سبک شنیداری دارند. دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی، بیشتر سبک بساوایی را ترجیح می‌دهند ولی دانشجویان رشته‌های انسانی بیشتر سبک یادگیری انفرادی و شنیداری را ترجیح می‌دهند.

از نتایج پژوهش‌های ذکر شده، این گونه استخراج می‌شود که هر فرهنگ سبک‌های یادگیری ادراکی خاص خود را دارد و همچنین متغیرهایی مانند سن، جنسیت، رشته تحصیلی، و غیره در سبک‌های یادگیری فراگیران تاثیرگذارند. دانش این سبک‌های یادگیری به آموزش زبان بهتر کمک می‌کند. از آنجا که تاکنون پژوهش‌چندانی در رابطه با سبک‌های یادگیری ادراکی در میان دانشجویان رشته‌های زبان انگلیسی در ایران انجام نشده، مطالعه حاضر، خلاء فوق را پر خواهد کرد.

۳- روش پژوهش

برای یافتن پاسخ مناسب به سوالات برگرفته، پژوهش کمی حاضر، از نوع پژوهش توصیفی بهره برد. در بخش بعدی به توصیف شیوه، جامعه آماری، ابزار پژوهش، روش جمع‌آوری داده، و تجزیه و تحلیل داده در آن می‌پردازیم.

۳-۱- جامعه آماری

جامعه آماری در این پژوهش شامل ۲۳۵ نفر (۹۸ نفر مرد و ۱۴۶ نفر زن) از دانشجویان رشته زبان انگلیسی (مترجمی زبان انگلیسی، ادبیات انگلیسی، و آموزش زبان انگلیسی) در دو دانشگاه قم و دانشگاه مفید است. دانشجویان رشته مترجمی در دانشگاه مفید و دانشجویان رشته‌های ادبیات انگلیسی و آموزش زبان انگلیسی در دانشگاه قم مشغول به تحصیل‌اند. حیطه سنی افراد از ۱۸ تا ۴۶ سال را در بر می‌گیرد که از این میان تعداد ۱۳۸ نفر کمتر از ۲۲ سال و ۹۷ نفر بیشتر از ۲۲ سال دارند. در این پژوهش از روش غیر تصادفی و برحسب روش دسترسی آسان استفاده شد (دورنی، ۲۰۰۵). خلاصه‌ای از جامعه آماری در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت کنندگان

دانشگاه قم	دانشگاه مفید	شرکت کنندگان	
۱۱۶ نفر	۱۱۹ نفر		
۷۶ (مرد = ۳۴، زن = ۴۲)	۶۲ (مرد = ۱۸، زن = ۴۴)	افراد زیر ۲۲ سال	سن
۴۰ (مرد = ۲۳، زن = ۱۷)	۵۷ (مرد = ۱۴، زن = ۴۳)	افراد ۲۲ سال و بالاتر	(۱۸-۶۶)
۵۷	۳۲	مرد	جنسیت
۵۹	۸۷	زن	
۹۳	-	ادبیات زبان انگلیسی	رشته تحصیلی
-	۱۱۹	مترجمی زبان انگلیسی	
۲۳	-	آموزش زبان انگلیسی	
۹۳ (مرد = ۴۱، زن = ۵۲)	۱۱۹ (مرد = ۳۲، زن = ۸۷)	کارشناسی	مقطع
۲۳ (مرد = ۱۶، زن = ۷)	-	کارشناسی ارشد	

۳-۲- ابزار پژوهش

برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات پژوهش، در این پژوهش از پرسشنامه سبک‌های غالب یادگیری ادراکی رید^۱ (۱۹۸۴) استفاده شد و همچنین اطلاعات مربوط به متغیرهای جنسیت، سن، سطح بسندگی، ترم تحصیلی، مقطع تحصیلی، و رشته تحصیلی از دانشجویان سوال شد. این پرسشنامه مشتمل بر ۶ سبک یادگیری و ۳۰ سوال از نوع لیکرت با ۵ گزینه (کاملاً مخالفم، مخالفم، نمی‌دانم، موافقم، و کاملاً موافقم) است و هر ۵ سوال یک نوع سبک یادگیری را در بر می‌گیرد. سبک‌های یادگیری عبارتند از: دیداری، شنیداری، بساواپی، و جنبشی و دو گروه مقوله اجتماعی (یادگیری فردی و گروهی). پاسخ دهنده بایستی به دقت جملات را خوانده و سبک یادگیری را که بیشتر ترجیح می‌دهد، مشخص کند. پرسشنامه از این سایت نیز قابل دانلود است:

http://southgwinnetths.com/pdf/Teacher_Links/Learningstylepreference.pdf.

1. Reid's Perceptual Learning Style Preference Questionnaire

دلیل استفاده از این پرسشنامه، سادگی و سرعت بالای جمع‌آوری داده‌ها و همچنین دسترسی رایگان به آن است. این پرسشنامه در نوع خود پر استفاده‌ترین پرسشنامه برای اندازه‌گیری سبک‌های یادگیری فراگیران زبان انگلیسی است (دیکاپو و وینترگست ۲۰۰۵؛ ناصریه و عنانی سراب، ۲۰۱۳). رید (۱۹۸۷) پرسشنامه را با استفاده از روش تقسیم نیمه^۱، مورد تایید قرار داد. همچنین پیکاک (۲۰۰۱) نشان داد که پرسشنامه از پایایی^۲ قابل قبولی برخوردار است. پژوهش حاضر نیز به پایایی قابل قبولی دست یافت (رک. جدول ۲)

رید (۱۹۹۵) سبک‌های یادگیری ادراکی را به سه دسته گروه‌بندی کرد:

۱. سبک‌های یادگیری با اولویت اصلی^۳: بیانگر آن است که فراگیران بیشتر ترجیح می‌دهند از طریق این کانال‌ها یادگیری داشته باشند.

۲. سبک‌های یادگیری با اولویت فرعی^۴: سبک‌هایی‌اند که فراگیران تمایل کمتری به یادگیری از طریق این کانال‌ها را دارند، ولی خللی در یادگیری ایجاد نمی‌شود.

۳. سبک‌های یادگیری با اولویت منفی^۵: فراگیران تمایلی به این سبک‌های یادگیری ندارند و از طریق این سبک‌ها برای آن‌ها مشکل یادگیری ایجاد می‌شود.

در فرایند مشخص شدن نوع سبک‌های یادگیری فراگیران، میانگین نمره بالاتر از ۱۷/۹۱ سبک‌های یادگیری با اولویت اصلی، میانگین نمره ۱۵/۹۱ تا ۱۷/۹۰ سبک یادگیری با اولویت فرعی و در نهایت میانگین نمره ۱۵/۹۰ و پایین‌تر سبک یادگیری با اولویت منفی در نظر گرفته شده است. پژوهش حاضر از معیار نمره‌دهی مشابهی نظیر معیار نمره‌دهی پژوهش ریاضی و منصوریان (۲۰۰۸) بهره می‌برد. دلیل استفاده از این معیار این است که میانگین کل نمرات ۱۷/۸۵ می‌باشد. بنابراین نمره ۱۷/۹۱ و بالاتر را اولویت اصلی در نظر گرفتیم. همچنین میانگین نمرات هر سبک یادگیری، از میانگین نمرات رید (۱۹۸۷) خیلی بالاتر است. رید (۱۹۸۷) توضیحی درباره معیار نمره‌دهی خود بیان نکرد و هر محقق می‌تواند میانگین نمرات خود را گرد کند (حد متوسط نمرات را در نظر بگیرد).

1. split-half method
2. reliability
3. major style
4. minor style
5. negative style

۳-۳- شیوه اجرا

در ابتدا به همه شرکت‌کنندگان درباره هدف این پژوهش به طور مختصر توضیحی داده شد. سپس پرسشنامه رید (۱۹۸۴) در دو دانشگاه در چند کلاس بین دانشجویان توزیع گردید و آنان پرسشنامه را ظرف مدت ۲۰ تا ۳۰ دقیقه کامل کرده تحویل دادند.

۳-۴- روش بررسی داده

پس از گردآوری داده‌ها و وارد کردن اطلاعات آن‌ها به رایانه، از نرم افزار تحلیل آماری SPSS^۱ (نسخه ۲۲) برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. در این مطالعه، برای مشخص کردن سبک‌های یادگیری ادراکی دانشجویان از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) استفاده کردیم. همچنین، برای یافتن تأثیر بین متغیر وابسته سبک‌های یادگیری و متغیرهای مستقل مانند سن، جنسیت، و غیره از آزمون تی مستقل^۲ استفاده شد. در نهایت، به منظور بررسی تأثیر معنادار، میان رشته‌های تحصیلی زبان انگلیسی، آنالیز واریانس یک طرفه^۳ و آزمون توکی اچ اس دی^۴ را اجرا نمودیم.

۴- یافته‌های پژوهش

در این بخش، نتایج داده‌های پژوهش حاضر که به بررسی سبک‌های غالب یادگیری ادراکی میان دانشجویان زبان انگلیسی می‌پردازد، بر اساس ترتیب پرسش‌های پژوهش، توصیف می‌شود.

1. Statistical Package for the Social Sciences
2. independent samples t-test
3. One way ANOVA
4. Tukey HSD test

جدول ۲. مقایسه مقادیر آلفای کرونباخ برای پرسشنامه سبک‌های غالب یادگیری ادراکی در مطالعات مختلف

سبک‌های یادگیری							پژوهش‌ها
گروهی	انفرادی	جنبشی	بساوایی	شنیداری	دیداری	شرکت‌کنندگان	
۰/۸۷	۰/۸۰	۰/۶۳	۰/۷۲	۰/۵۶	۰/۵۴	۱۲۶	آتزن ^۱ (۱۹۹۵)
۰/۸۲	۰/۸۱	۰/۶۸	۰/۷۲	۰/۴۸	۰/۵۱	۵۸۲	یاماشیتا ^۲ (۱۹۹۵)
۰/۸۰	۰/۷۵	۰/۷۵	۰/۶۷	۰/۳۵	۰/۳۶	۲۳۷	لیورساج ^۳ (۱۹۹۶)
۰/۸۷	۰/۷۵	۰/۶۹	۰/۵۹	۰/۴۸	۰/۵۳	۱۰۰	وینتر جست و همکاران ^۴ (۲۰۰۱)
۰/۸۳	۰/۸۴	۰/۷۶	۰/۶۷	۰/۳۹	۰/۳۷	۶۹۱	اسیمونگر و شپارد ^۵ (۲۰۰۷)
۰/۷۹	۰/۸۲	۰/۶۴	۰/۶۹	۰/۵۹	۰/۵۰	۱۳۸	ناصریه و عنانی سراب (۲۰۱۳)
۰/۸۵	۰/۷۹	۰/۷۳	۰/۶۷	۰/۵۱	۰/۵۲	۲۳۵	پژوهش حاضر

اقتباس شده از اسیمونگر و شپارد (۲۰۰۷)؛ ناصریه و عنانی سراب (۲۰۱۳).

برای تخمین پایایی (اعتبار) از آلفای کرونباخ^۶ استفاده شد. جدول فوق، شاخص پایین برای خرده مقیاس‌های دیداری و شنوایی ۰/۵۲ و ۰/۵۱ نشان می‌دهد که به پایایی قابل قبولی نرسیده است. مقایسه پژوهش‌های پیشین، نمایان می‌سازد که مقیاس‌های دیداری و شنیداری در همه مطالعات به اعتبار ۰/۶۰ هم نرسیدند، اما چهار خرده مقیاس دیگر تقریباً به پایایی قابل قبولی رسیدند. بنابراین پژوهشگران حاضر توصیه می‌کنند که نتایج سبک‌های یادگیری دیداری و شنیداری با احتیاط بیشتری تفسیر شوند، مگر اینکه منابع دیگری در گردآوری داده‌ها در مطالعه موجود باشد.

1. Itzen

2. Yamashita

3. Liversidge

4. Wintergerst et al.

5. Isemonger & Sheppard

6. Cronbach's Alpha reliability estimate

سوال اول پژوهش: سبک‌های یادگیری ادراکی بین دانشجویان رشته زبان انگلیسی در ایران چیست؟

جدول ۳. آمار توصیفی از سبک‌های یادگیری شرکت کنندگان (۲۳۵ نفر)

اولویت سبک یادگیری	انحراف معیار	میانگین	سبک‌های یادگیری
اصلی	۳/۴۹	۱۸/۷۲	جنبشی
اصلی	۲/۸۱	۱۸/۵۹	دیداری
اصلی	۲/۸۴	۱۸/۲۵	شنیداری
اصلی	۳/۵۲	۱۸/۱۲	بساوایی
فرعی	۴/۲۹	۱۷/۲۰	انفرادی
فرعی	۴/۶۰	۱۶/۲۴	گروهی

نکته: میانگین: ۱۷/۹۱ و بالاتر = سبک یادگیری اصلی | ۱۵/۹۱ تا ۱۷/۹۰ = سبک یادگیری فرعی | کمتر از ۱۵/۹۰ = سبک یادگیری منفی

میانگین نمرات سبک‌های یادگیری ادراکی دانشجویان زبان انگلیسی در جدول شماره ۳ آمده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که سبک‌های یادگیری ادراکی دانشجویان با اولویت اصلی شامل سبک جنبشی، دیداری، شنیداری، و بساوایی است. این بدین معنی است که آن‌ها بیشتر تمایل دارند با این نوع سبک‌ها بیاموزند و در یادگیری زبان انگلیسی فعالیت داشته باشند. همچنین دو سبک فردی و گروهی، سبک‌های اولویت فرعی‌اند که دانشجویان با این سبک‌های یادگیری مشکلی ندارند. در کل بالاترین میانگین برای سبک جنبشی و پایین‌ترین میانگین مربوط به سبک یادگیری گروهی است.

جدول ۴. مقایسه سبک‌های یادگیری ادراکی پژوهش‌های گوناگون در ایران

سبک‌های یادگیری ادراکی							
گروهی	انفرادی	بساوایی	جنبشی	شنیداری	دیداری	جامعه آماری	پژوهش‌ها
۱۶/۲۴ (اصلی)	۱۷/۲۰ (اصلی)	۱۸/۱۲ (اصلی)	۱۸/۷۲ (اصلی)	۱۸/۲۵ (اصلی)	۱۸/۵۹ (اصلی)	۲۳۵	پژوهش حاضر
۱۷/۵۰ (فرعی)	۱۶/۴۴ (فرعی)	۱۹/۱۶ (اصلی)	۱۸/۸۰ (اصلی)	۱۸/۹۶ (اصلی)	۱۸/۷۳ (اصلی)	۳۰۰	ریاضی و منصوریان (۲۰۰۸)
-۱/۲۶	+۰/۷۶	-۱/۰۴	-۰/۰۸	-۰/۷۱	-۰/۱۴	اختلاف دو پژوهش فوق	
۱۰/۹۹ (منفی)	۱۲/۱۷ (فرعی)	۱۴/۳۶ (اصلی)	۱۴/۴۹ (اصلی)	۱۳/۷۱ (اصلی)	۱۳/۰۴ (فرعی)	۱۳۸	ناصریه و عنانی سراب (۲۰۱۳)

نکته: میانگین کمتر از ۱۵/۹۰ = سبک یادگیری منفی؛ میانگین ۱۵/۹۱ تا ۱۷/۹۰ = سبک یادگیری فرعی؛ میانگین ۱۷/۹۱ و بالاتر = سبک یادگیری اصلی. پژوهش حاضر، و ریاضی و منصوریان (۲۰۰۸) معیار نمره‌دهی مشابهی دارند. نمره‌دهی ناصریه و عنانی سراب مشابه پژوهش رید (۱۹۹۵) است.

جدول شماره ۴ مقایسه پژوهش‌های گوناگون در حیطه سبک‌های یادگیری ادراکی در ایران را نشان می‌دهد. همانطور که واضح است پژوهش حاضر با پژوهش ریاضی و منصوریان (۲۰۰۸) به نتایج مشابهی رسیدند. و اما نتایج ناصریه و عنانی سراب (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که سبک دیداری با اولویت فرعی و سبک گروهی با اولویت منفی بدست آمده است. شاید شرکت‌کنندگان آن‌ها در کارکردن با سبک گروهی با مشکل مواجه شوند.

سوال دوم پژوهش: آیا متغیرهایی نظیر سن، جنسیت، رشته تحصیلی، و مقطع تحصیلی این دانشجویان بر سبک‌های یادگیری ادراکی آنان تأثیر می‌گذارد؟

جدول ۵. آزمون تی مستقل برای مقایسه بین سبک‌های یادگیری و جنسیت

Effect size	p	t	زن (۱۴۶ نفر)		مرد (۸۹ نفر)		سبک‌های یادگیری
			انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۲۲	۰/۱۰	-۱/۶۴	۲/۶۳	۱۸/۴۹	۳/۱۴	۱۷/۸۶	شنیداری
۰/۱۲	۰/۳۸	۰/۸۶	۳/۶۱	۱۷/۹۷	۳/۳۷	۱۸/۳۸	بساوایی
۰/۰۸	۰/۵۷	-۰/۵۶	۳/۳۹	۱۸/۸۳	۳/۶۶	۱۸/۵۶	جنبشی
۰/۰۹	۰/۴۸	-۰/۶۹	۲/۹۲	۱۸/۶۹	۲/۶۵	۱۸/۴۳	دیداری
۰/۰۹	۰/۵۲	۰/۶۳	۴/۳۴	۱۷/۰۷	۴/۲۴	۱۷/۴۴	انفرادی
۰/۰۴	۰/۲۳	۰/۳۳	۴/۳۵	۱۶/۱۶	۵/۰۱	۱۶/۳۷	گروهی

سوال دوم به تأثیر متغیرهایی نظیر جنسیت، سن، سطح بسندگی، و غیره (به عنوان متغیرهای مستقل) بر سبک‌های یادگیری ادراکی دانشجویان به عنوان متغیر وابسته می‌پردازد. نتایج آزمون تی مستقل نشان داد که اختلاف معناداری بین استفاده از سبک‌های یادگیری و جنسیت وجود ندارد. ولی سبک یادگیری شنیداری برای زن‌ها به عنوان اولویت اصلی و برای مردان اولویت فرعی قرار گرفت. بدین معنی که زن‌ها نسبت به مردان بیشتر از سبک شنیداری استفاده می‌کنند. اندازه تأثیر ($\eta^2 = 0,22$) نیز بزرگ بوده و نشان از همین تفاوت دارد. همچنین زن‌ها دارای ۴ سبک یادگیری اصلی‌اند که نسبت به مردان بیشتر است.

جدول ۶. آزمون تی مستقل برای مقایسه بین سبک‌های یادگیری و سن

			افراد ۲۲ سال و بالاتر (۹۷ نفر)		افراد زیر ۲۲ سال (۱۳۸ نفر)		
<i>Effect size</i>	<i>p</i>	<i>t</i>	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	سبک‌های یادگیری
۰/۱۶	۰/۲۰	-۱/۲۶	۲/۴۹	۱۸/۵۳	۳/۰۶	۱۸/۰۶	شنیداری
۰/۳۶	۰/۰۰۶	-۲/۷۷	۳/۵۸	۱۸/۸۷	۳/۳۹	۱۷/۶۰	بساوایی
۰/۰۷	۰/۵۶	-۰/۵۸	۳/۵۴	۱۸/۸۸	۳/۴۶	۱۸/۶۱	جنبشی
۰/۱۱	۰/۳۸	-۰/۸۷	۳/۰۸	۱۸/۷۸	۲/۶۲	۱۸/۴۵	دیداری
۰/۱۲	۰/۳۵	۰/۹۳	۴/۸۵	۱۶/۸۹	۳/۸۶	۱۷/۴۲	انفرادی
۰/۰۵	۰/۶۵	-۰/۴۴	۴/۶۵	۱۶/۴۰	۴/۵۸	۱۶/۱۳	گروهی

بر اساس جدول ۶ تفاوت معناداری بین متغیر سن و استفاده از تنها یک سبک یادگیری مشاهده شد. فراگیران سن ۲۲ و بالاتر، نسبت به افراد کمتر از ۲۲ سال ترجیح می‌دهند که بیشتر با سبک بساوایی ($p < ۰/۰۱$) یادگیری داشته باشند که تأثیر زیادی ($\eta = ۰,۳۶$) را نیز نشان می‌دهد. همچنین میانگین نمرات سبک‌های یادگیری ادراکی با اولویت اصلی برای فراگیران سنین کمتر از ۲۲ سال نسبت به فراگیران بالای ۲۲ سال کمتر است.

جدول ۷. آزمون تی مستقل برای مقایسه بین سبک‌های یادگیری و ترم تحصیلی

		سال سومی - چهارمی (۱۳۴ نفر)			سال اولی - دومی (۱۰۱ نفر)		
Effect size	p	t	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	سبک‌های یادگیری
۰/۰۲	۰/۸۶	-۰/۱۷	۲/۶۸	۱۸/۲۸	۳/۰۶	۱۸/۲۲	شنیداری
۰/۱۹	۰/۱۴	-۱/۴۸	۳/۶۰	۱۸/۴۲	۳/۳۹	۱۷/۷۴	بساوایی
۰/۱۶	۰/۲۰	-۱/۲۶	۳/۴۷	۱۸/۹۷	۳/۵۱	۱۸/۳۹	جنبشی
۰/۱۱	۰/۳۸	-۰/۸۷	۳/۰۴	۱۸/۷۳	۲/۴۹	۱۸/۴۰	دیداری
۰/۰۱	۰/۹۲	۰/۰۹	۴/۵۵	۱۷/۱۸	۳/۹۴	۱۷/۲۳	انفرادی
۰/۰۷	۰/۵۵	-۰/۵۸	۴/۶۲	۱۶/۳۹	۴/۵۹	۱۶/۰۴	گروهی

نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین ترم تحصیلی و استفاده از سبک‌های یادگیری ادراکی وجود ندارد. اما با این وجود دانشجویان سال سوم و چهارم و همچنین دانشجویان ارشد نسبت به دانشجویان سال اول و دوم بیشتر تمایل به یادگیری از طریق سبک بساوایی دارند ($\eta = 0,19$). این سبک یادگیری برای آن‌ها با اولویت اصلی نمایان شد.

جدول ۸. آزمون تی مستقل برای مقایسه بین سبک‌های یادگیری و مقطع تحصیلی

		کارشناسی ارشد (۲۳ نفر)		کارشناسی (۲۱۲ نفر)			
<i>Effect size</i>	<i>p</i>	<i>t</i>	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	سبک‌های یادگیری
۰/۱۷	۰/۴۳	-۰/۷۸	۲/۷۵	۱۸/۶۹	۲/۸۶	۱۸/۲۱	شنیداری
۰/۶۶	۰/۰۰۵	-۲/۸۵	۳/۰۱	۲۰/۰۸	۳/۵۱	۱۷/۹۱	بساوایی
۰/۲۴	۰/۲۷	-۱/۰۸	۳/۴۶	۱۹/۴۸	۳/۴۹	۱۸/۶۴	جنبشی
۰/۴۵	۰/۰۴۸	-۱/۹۹	۲/۵۱	۱۹/۶۹	۲/۸۳	۱۸/۴۷	دیداری
۰/۰۸	۰/۶۷	-۰/۴۱	۴/۹۷	۱۷/۵۶	۴/۲۲	۱۷/۱۷	انفرادی
۰/۰۲	۰/۹۰	۰/۱۲	۵/۰۹	۱۶/۱۳	۴/۵۶	۱۶/۲۵	گروهی

نتایج تحلیل جدول ۸ حاکی از آن است که بین مقطع تحصیلی (کارشناسی و کارشناسی ارشد) و استفاده از سبک‌های یادگیری تفاوت معناداری وجود دارد. گرچه سبک‌های یادگیری بساوایی و دیداری برای هر دو مقطع تحصیلی دانشجویان به عنوان اولویت اصلی است ولی دانشجویان ارشد (رشته آموزش زبان انگلیسی) بیشتر ترجیح می‌دهند که با سبک‌های یادگیری بساوایی و دیداری یادگیری خود را بیفزایند. همچنین، میانگین نمره‌های سبک‌های یادگیری با اولویت اصلی در دانشجویان کارشناسی ارشد بالاتر از میانگین نمرات برای دانشجویان کارشناسی است.

جدول ۹. آزمون تی مستقل برای مقایسه بین سبک‌های یادگیری و سطح بسندگی

Effect size	p	t	سطح بالا (۱۳۳ نفر)		سطح پایین (۱۰۲ نفر)		سبک‌های یادگیری
			انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۷	۰/۵۷	-۰/۵۵	۲/۸۲	۱۸/۳۴	۲/۸۹	۱۸/۱۴	شنیداری
۰/۰۸	۰/۵۲	-۰/۶۳	۳/۳۸	۱۸/۲۵	۳/۷۱	۱۷/۹۶	بساوایی
۰/۲۱	۰/۱۰	-۱/۶۳	۳/۴۷	۱۹/۰۵	۳/۵۰	۱۸/۳۰	جنبشی
۰/۰۲	۰/۶۳	-۰/۴۸	۲/۶۳	۱۸/۶۷	۳/۰۵	۱۸/۵۹	دیداری
۰/۲۱	۰/۱۰	-۱/۶۰	۴/۱۸	۱۷/۶۰	۴/۴۰	۱۶/۶۹	انفرادی
۰/۰۰	۰/۹۷	۰/۰۳	۴/۷۷	۱۶/۲۳	۴/۴۱	۱۶/۲۵	گروهی

در بررسی داده‌های مربوط به سبک‌های یادگیری و سطح بسندگی، آزمون تی مستقل (جدول ۹) اختلاف معناداری بین استفاده از سبک‌های یادگیری با سطح بسندگی را نشان نداد. اما میانگین نمرات سبک‌های یادگیری اصلی در دانشجویان سطح بالاتر، بیشتر از دانشجویان سطح پایین‌تر است.

جدول ۱۰. آمار توصیفی میان رشته‌های زبان انگلیسی

سبک‌های یادگیری	ادبیات انگلیسی (۹۳ نفر)		مترجمی زبان (۱۱۹ نفر)		آموزش زبان (۲۳ نفر)	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
شنیداری	۱۷/۹۰	۲/۶۳	۱۸/۴۴	۳/۰۱	۱۸/۶۹	۲/۷۵
بساوایی	۱۷/۹۴	۳/۲۶	۱۷/۸۹	۳/۷۱	۲۰/۰۸	۳/۰۱
جنبشی	۱۸/۷۷	۳/۳۶	۱۸/۵۴	۳/۶۰	۱۹/۴۷	۳/۴۶
دیداری	۱۸/۵۴	۲/۴۹	۱۸/۴۱	۳/۰۷	۱۹/۶۹	۲/۵۱
انفرادی	۱۷/۳۱	۳/۹۵	۱۷/۰۵	۴/۴۳	۱۷/۵۶	۴/۹۷
گروهی	۱۶/۱۸	۴/۵۸	۱۶/۳۱	۴/۵۶	۱۶/۱۳	۵/۰۹

افزون بر این، برای یافتن تفاوت معنادار بین رشته‌های تحصیلی و سبک‌های یادگیری ادراکی، از تحلیل یک طرفه واریانس^۱ و برای یافتن محل دقیق این اختلاف‌ها از آزمون توکی اچ‌اس‌دی استفاده شد. نتایج نشان داد که سبک یادگیری شنیداری برای دانشجویان مترجمی و آموزش زبان انگلیسی، اولویت اصلی است در حالی که این سبک برای دانشجویان ادبیات انگلیسی اولویت فرعی است. همچنین سبک یادگیری بساواپی برای دانشجویان ادبیات انگلیسی و آموزش زبان انگلیسی اولویت اصلی‌اند، ولی این سبک یادگیری برای دانشجویان مترجمی زبان انگلیسی، اولویت فرعی است (جدول ۱۰).

جدول ۱۱. آنالیز واریانس یک طرفه میان رشته‌های زبان انگلیسی

Sig.	F	Mean Square	df	Sum of Squares		سبک‌های یادگیری
۰/۲۸۹	۱/۲۵	۱۰/۱۴	۲	۲۰/۲۸	بین گروه‌ها	شنیداری
۰/۰۱۹	۴/۰۵	۴۹/۰۱	۲	۹۸/۰۳	بین گروه‌ها	بساواپی
۰/۴۹۹	۰/۶۹	۸/۵۳	۲	۱۷/۰۷	بین گروه‌ها	جنبشی
۰/۱۳۳	۲/۰۳	۱۶/۰۲	۲	۳۲/۰۵	بین گروه‌ها	دیداری
۰/۸۳۸	۰/۱۷	۳/۲۹	۲	۶/۵۸	بین گروه‌ها	انفرادی
۰/۹۷۳	۰/۰۲	۰/۵۸	۲	۱/۱۷	بین گروه‌ها	گروهی

همان‌طور که در جدول ۱۱ مشاهده شد فقط سبک یادگیری بساواپی ($p < ۰/۰۵$) در این سه رشته تفاوت معناداری را نشان می‌دهد.

1. One-way analysis of variance

جدول ۱۲. سطوح معنادار آزمون تعقیبی Tukey HSD test برای مقایسه نمرات سبک‌های یادگیری بین

رشته‌ها

95% Confidence Interval		Sig.	اختلاف میانگین (I-J)	رشته (J) تحصیلی	رشته (I) تحصیلی	متغیر وابسته
Upper Bound	Lower Bound					
۱/۱۹	-۱/۰۸	۰/۹۹	۰/۵۵	مترجمی	ادبیات	بساوایی
-۰/۲۳	-۴/۰۵	۰/۰۲۴	-۲/۱۴*	آموزش		
۱/۰۸	-۱/۱۹	۰/۹۹	-۰/۵۵	ادبیات	مترجمی	
-۰/۳۲	-۴/۰۶	۰/۰۱۷	-۲/۱۹۶*	آموزش		
۴/۰۵	۰/۲۳	۰/۰۲۴	۲/۱۴*	ادبیات	آموزش	
۴/۰۶	۰/۳۲	۰/۰۱۷	۲/۱۹۶*	مترجمی		

جدول ۱۲ نشان می‌دهد که رشته ادبیات انگلیسی با رشته آموزش زبان انگلیسی فقط در سبک یادگیری بساوایی ($p < ۰/۰۵$) تفاوت معنادار دارد. همچنین رشته مترجمی زبان انگلیسی با رشته آموزش زبان انگلیسی در سبک یادگیری بساوایی ($p < ۰/۰۵$) تفاوت معنادار دارد. در نهایت رشته آموزش زبان انگلیسی هم با رشته مترجمی زبان انگلیسی و هم با رشته ادبیات انگلیسی در استفاده از سبک یادگیری بساوایی ($p < ۰/۰۵$) اختلاف معناداری دارد.

۵- بحث

در این مطالعه سعی بر آن شد که با استفاده از پرسشنامه سبک‌های غالب یادگیری ادراکی رید (۱۹۸۴)، سبک‌های یادگیری ادراکی دانشجویان ایرانی مشخص شد. همچنین، تأثیر متغیرهایی مانند جنسیت، سن، سطح بسندگی، و غیره بر سبک‌های یادگیری هم مورد بررسی قرار گرفت. در پژوهش حاضر و پژوهش ریاضی و منصوریان (۲۰۰۸) میانگین نمرات سبک‌ها تقریباً یکسان بود. به عبارت دیگر، در هر دو مطالعه، ۴ سبک یادگیری ادراکی با اولویت اصلی (جنبشی، بساوایی، دیداری، و شنیداری) و دو سبک با اولویت فرعی مشاهده شد. شاید نزدیک بودن تعداد شرکت‌کنندگان در این مطالعات که هر دو در مجموع دارای تعداد بیشتری از شرکت‌کنندگان بودند دلیل یکسان بودن نتایج باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که دانشجویان

ایرانی با پشت میز نشستن و ساعت‌ها مطالعه کردن احساس راحتی نمی‌کنند، در عوض آن‌ها تمایل به استفاده از ابزارهای مختلف و بازی‌های گوناگون دارند و مایلند هنگام مطالعه تحرک داشته باشند. در کل آن‌ها هیچ مشکلی با انواع سبک‌های یادگیری ادراکی ندارند. در مقایسه، پژوهش ناصریه و عنانی سراب (۲۰۱۳) نشان داد که سبک‌های یادگیری ادراکی با اولویت اصلی شامل جنبشی، بساوایی، و شنیداری بودند در حالی که سبک‌های یادگیری دیداری و انفرادی به عنوان اولویت فرعی مشاهده شدند و همچنین سبک یادگیری گروهی به عنوان اولویت منفی در میان شرکت‌کنندگان انتخاب شد. به عبارت دیگر، شرکت‌کنندگان آن‌ها تمایلی به کار گروهی با دوستان و هم کلاسی‌های خود برای امر یادگیری ندارند. همچنین میانگین نمرات در پژوهش ناصریه و عنانی سراب (۲۰۱۳) نسبت به پژوهش فعلی کمتر است. شاید دلیل پایین بودن این نمرات، عملکرد خود شرکت‌کنندگان است و یا طبق گفته اسیمونگر و شپارد (۲۰۰۳، ص ۲۰۳) «می‌تواند این باشد که میانگین نمرات پایین‌تر در این مطالعه نشان دهندهٔ محافظه‌کار بودن در پاسخ به پرسشنامه» از طرف شرکت‌کنندگان باشد. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، فاطمی حسینی و پیشقدم (۱۳۸۷)، ریاضی و منصوریان (۲۰۰۸)، و ناصریه و عنانی سراب (۲۰۱۳) دانشجویان ایرانی چند سبک یادگیری اصلی دارند. این بدین معناست که دانشجویان ایرانی عملکرد بالا و موفقیت آمیزی در فراگیری زبان انگلیسی دارند. گولد و گارگر^۱ (۱۹۸۵، ص ۶۴) در این باره ادعا کردند؛ «دانشجویانی که دارای چندین سبک یادگیری اصلی‌اند، اغلب شانس بیشتری برای موفقیت در یادگیری دارند، نسبت به کسانی که تنها دارای یک سبک یادگیری اصلی‌اند، زیرا آن‌ها می‌توانند اطلاعات را به هر نحوی که ارائه می‌شود، پردازش کنند».

همچنین رید (۱۹۸۷، ص ۱۰۱) بر این باور است: «مطالعات در بافت کشورهای انگلیسی‌زبان به شدت نشان می‌دهد که توانایی دانش‌آموزان در استفاده از سبک‌های یادگیری مختلف باعث نتایج و موفقیت بهتر در کلاس می‌شود». بر اساس گفته‌های بالا، می‌توان این گونه نتیجه گرفت که دانشجویان ایرانی در فرایند یادگیری زبان باید موفق بوده و عملکرد بالایی داشته باشند، به این دلیل که آن‌ها ۴ سبک یادگیری با اولویت اصلی دارند. به عبارت دیگر، دانشجویان ایرانی با هیچ یک از کانال‌های یادگیری مشکل یادگیری زبان ندارند. یافته‌های پژوهش حاضر، ریاضی و منصوریان (۲۰۰۸)، و نتایج نسبی فاطمی حسینی و پیشقدم

1. Guild & Garger

(۱۳۸۷)، ناصریه و عنانی سراب (۲۰۱۳) صحه بر این گفته‌ها می‌گذارد. ایرلی و آنگ (۲۰۰۳) استدلال می‌کنند که نقش فرهنگ در پردازش اطلاعات مهم است. با این وجود، پژوهشگران معتقدند که تفاوت‌های فرهنگی تاثیر بر شیوه یادگیری افراد می‌گذارد و باعث ایجاد سبک‌های یادگیری مختلف می‌شود (جوی و کلب، ۲۰۰۹؛ رید، ۱۹۸۷؛ رینالد، ۱۹۹۷).

تفکیک جنسیتی برای درک بهتر از سبک‌های یادگیری ادراکی میان شرکت‌کنندگان زنان و مردان بوده که بر اساس نتایج آزمون تی مستقل هیچ تفاوت معناداری مشاهده نشد (جدول ۴). نتایج به دست آمده همسو با پژوهش پارک (۲۰۰۲) و در عوض با پژوهش‌های گذشته متفاوت است (رید، ۱۹۸۷؛ روسی-لی، ۱۹۸۹؛ ملتن، ۱۹۹۰؛ هایلند، ۱۹۹۳؛ پیکاک، ۲۰۰۱؛ اسیمونگر و شپارد، ۲۰۰۳؛ ریاضی و منصوریان، ۲۰۰۸؛ فاطمی‌حسینی و پیشقدم، ۱۳۸۷؛ ناصریه و عنانی سراب، ۲۰۱۳). نتایج گوناگون در استفاده از سبک‌های یادگیری بین زنان و مردان ممکن است، به دلیل فرهنگ، سن، و یا رشته تحصیلی شرکت‌کنندگان باشد. معلمان انتظار دارند که فراگیران مرد بیشتر سبک‌های یادگیری بساوابی و جنبشی داشته باشند (آکسفورد، ۱۹۹۵). اما هیچ گونه تفاوت معناداری در سبک‌های یادگیری بساوابی و جنبشی برای مردان و زنان مشاهده نگردید. اما میانگین نمره مردان در استفاده از سبک یادگیری بساوابی نسبت به زنان بالاتر است.

پژوهش‌های گذشته هیچ گونه تفاوت معناداری در رابطه با سبک یادگیری شنیداری بین مردان و زنان مشاهده نکردند (رید، ۱۹۸۷؛ ملتن، ۱۹۹۰؛ هایلند، ۱۹۹۳؛ اسیمونگر و شپارد، ۲۰۰۳؛ ریاضی و منصوریان، ۲۰۰۸؛ ناصریه و عنانی سراب، ۲۰۱۳). در این مطالعه، زنان در مقایسه با مردان، تمایل بیشتر به استفاده از سبک شنیداری را نشان دادند که همسو با یافته فاطمی‌حسینی و پیشقدم (۱۳۸۷) بوده و آن را به عنوان اولویت اصلی انتخاب کردند، درحالی که مردان سبک شنیداری را به عنوان اولویت فرعی برگزیدند. و لیکن در این باره اختلاف معناداری مشاهده نشد. در نهایت، در رابطه با سبک‌های فردی و گروهی، هیچ تفاوتی بین جنسیت و این دو سبک مشاهده نشد. این بدین معناست که زنان و مردان می‌توانند به صورت فردی و گروهی یادگیری داشته باشند. اما پژوهش‌های گذشته در این رابطه با این پژوهش همسو نیستند (ملتن، ۱۹۹۰؛ هایلند، ۱۹۹۳؛ اسیمونگر و شپارد، ۲۰۰۳؛ ناصریه و عنانی سراب، ۲۰۱۳). هر چه سبک‌های یادگیری اصلی بیشتر باشد، راحت‌تر می‌توان اطلاعات را دریافت و پردازش کرد. در نتیجه زنان نسبت به مردان، دارای سبک‌های یادگیری با اولویت اصلی بیشتری‌اند.

نتایج آزمون تی مستقل بین میانگین نمرات سبک یادگیری بساواپی در دو گروه سنی فوق، اختلاف معناداری را نشان داد. به طوری که در گروه دوم (۲۲ سال و بالاتر) میانگین نمرات در سبک یادگیری بساواپی به طور معنی داری بیشتر از گروه اول (زیر ۲۲ سال) است. این در حالی است که در دیگر سبک‌های یادگیری اختلاف معناداری در استفاده از سبک خاصی وجود ندارد. به استثنای سبک فردی، میانگین نمرات مابقی سبک‌ها در گروه دوم بالاتر از گروه اول (کمتر از ۲۲ سال) است که با یافته‌های رید (۱۹۸۷) هم‌خوانی دارد. به عبارت دیگر، تعداد سبک‌های اولویت اصلی در گروه دوم بیشتر از گروه اول می‌باشد. این بدین معناست که افراد ۲۲ سال و بالاتر بیشتر ترجیح می‌دهند که زبان انگلیسی را با خواندن مطالب، ابزارهای گوناگون دیداری، و اجرای نقش‌های گوناگون در موقعیت واقعی فرا بگیرند. گروه‌های سنی مختلف از سبک‌های یادگیری گوناگونی استفاده می‌کنند. بنابراین در این راستا، مطالعه حاضر با پژوهش‌های گذشته، مانند دبوگ (۲۰۰۴)، فاطمی‌حسینی و پیشقدم (۱۳۸۷)، ناصریه و عنانی سراب (۲۰۱۳)، اورینگ (۲۰۱۵) هم‌خوانی دارد. در پژوهش ناصریه و عنانی سراب (۲۰۱۳)، افراد کمتر از ۲۳ سال بیشتر ترجیح به یادگیری با سبک شنیداری دارند. اسیمونگر و شپارد (۲۰۰۳) و رید (۱۹۸۷) هیچ تفاوت معناداری بین سن و سبک‌های یادگیری ادراکی نیافتند. بنابراین، یافته‌های آن‌ها با مطالعه حاضر متفاوت است.

دانشجویان سال سوم و چهارم کارشناسی و دانشجویان ارشد سبک یادگیری بساواپی را به عنوان اولویت اصلی و دانشجویان ترم اول و دوم کارشناسی این سبک یادگیری را سبک فرعی خود انتخاب کردند، و لیکن تفاوت معناداری بین ترم‌های تحصیلی و سبک‌های یادگیری مشاهده نگردید. به عبارت دیگر، دانشجویان با ترم‌های مختلف تحصیلی با همه سبک‌های یادگیری ادراکی می‌توانند عملکرد یکسانی در فراگیری زبان انگلیسی داشته باشند. یافته‌های پژوهش حاضر در این زمینه با نتایج پژوهش‌های رید (۱۹۸۷)، ملتن (۱۹۹۰)، و هایلند (۱۹۹۳) هم‌سو نیستند. اگر ترم‌های تحصیلی با دو گروه سنی مختلف در استفاده از سبک‌های یادگیری را مقایسه کنیم فرض بر این است که بیشتر دانشجویان سال اول و دوم کمتر از ۲۲ سال سن دارند که سبک یادگیری بساواپی را سبک فرعی خود انتخاب کردند. (بیشتر دانشجویان کمتر از ۲۲ سال دانشجویان سال اول و دومی هستند که سبک یادگیری بساواپی را به عنوان سبک فرعی انتخاب کردند و با متغیر ترم تحصیلی هم‌خوانی دارد).

در رابطه با مقطع تحصیلی باید به این نکته اذعان داشت که هر دو مقطع (کارشناسی و کارشناسی ارشد) سبک‌های یادگیری بساواپی و دیداری را به عنوان اولویت اصلی در نظر

گرفتند ولی میانگن نمرات دانشجویان ارشد از دانشجویان کارشناسی بالاتر است و در نتیجه تفاوت معناداری در این دو سبک یادگیری مشاهده گردید. یافته‌های رید (۱۹۸۷) در این دو سبک دقیقاً مشابه پژوهش حاضر می‌باشند. به عبارت دیگر، گرچه هر دو مقطع تحصیلی، ۴ سبک یادگیری اصلی دارند، لیکن دانشجویان ارشد نسبت به کارشناسی بیشتر تمایل به یادگیری از طریق خواندن، مشاهده فیلم، و نوشتن در موقعیت واقعی دارند. ملتن (۱۹۹۰) و هایلند (۱۹۹۳) به این نتیجه رسیدند که مقطع تحصیلی در استفاده از سبک‌های یادگیری نقش دارند که با یافته‌های مطالعه کنونی همسو است.

درباره سطح بسندگی شرکت‌کنندگان تفاوت معناداری بین این متغیر و استفاده از سبک‌های یادگیری مشاهده نگردید. پژوهش‌های گذشته در این رابطه با این پژوهش در یک راستا است (رید، ۱۹۸۷؛ اسیمونگر و شپارد، ۲۰۰۳؛ ناصریه و عنانی سراب، ۲۰۱۳). اما پیکاک (۲۰۰۱) به این نتیجه رسید که فراگیران سطوح پایین‌تر بیشتر تمایل به یادگیری گروهی دارند. بنا به ادعای اوریگ (۲۰۱۵)، فاطمی حسینی و پیشقدم (۱۳۸۷) سبک‌های یادگیری تغییرپذیرند در صورتی که سطح بسندگی هم تغییر یابد. به طور مثال، در پژوهش فاطمی حسینی و پیشقدم (۱۳۸۷) تأثیر سطح بسندگی بر استفاده از سبک‌های جنبشی و بساواپی معنادار بود. این ادعا با نتایج پژوهش حاضر هم‌خوانی ندارد. گرچه هر دو گروه، ۴ سبک یادگیری اصلی دارند اما میانگین نمرات سبک‌های یادگیری بساواپی و جنبشی در گروه پیشرفته نسبت به گروه سطح پایین‌تر مقداری بالاتر است.

برای پی بردن به اختلاف معنادار بین رشته‌های زبان انگلیسی و استفاده از سبک‌های یادگیری ادراکی، آنالیز واریانس یک طرفه مورد استفاده قرار گرفت. در مورد رشته‌های تحصیلی زبان انگلیسی، میانگین نمره سبک یادگیری شنیداری برای دانشجویان ادبیات انگلیسی پایین‌تر از دو رشته مترجمی زبان انگلیسی و آموزش زبان انگلیسی بود و دارای اولویت فرعی است. اما تفاوت معناداری بین آن‌ها مشاهده نگردید. برای رشته مترجمی زبان انگلیسی، میانگین نمره سبک یادگیری بساواپی نسبت به رشته‌های ادبیات انگلیسی و آموزش زبان انگلیسی پایین‌تر بوده و دارای تفاوت معناداری است. نکته حائز اهمیت این است که میانگین نمرات سبک‌های یادگیری اولویت اصلی برای دانشجویان آموزش زبان انگلیسی خیلی بالاتر از دو رشته دیگر است. آزمون *Tukey HSD test* به طور دقیق نشان داد که رشته ادبیات انگلیسی و آموزش زبان انگلیسی در استفاده از سبک یادگیری بساواپی تفاوت معنادار دارد. همچنین رشته مترجمی زبان انگلیسی با آموزش زبان انگلیسی در این سبک یادگیری تفاوت

معناداری دارد. رشته آموزش زبان انگلیسی با هر دو رشته مترجمی انگلیسی و ادبیات انگلیسی در استفاده از سبک یادگیری بساواپی تفاوت معناداری دارد. این نتایج بدین معناست که دانشجویان رشته آموزش زبان انگلیسی تمایل دارند که بیشتر زبان را در موقعیت واقعی و بیشتر به صورت خلاصه برداری فرا بگیرند. پژوهش حاضر در رابطه با رشته‌های تحصیلی تفاوت معنادار مشاهده کرده که همسو با پژوهش‌های رید (۱۹۸۷)، ملتن (۱۹۹۰)، فاطمی‌حسینی و پیشقدم (۱۳۸۷)، و ناصریه و عنانی سراب (۲۰۱۳) است در حالی که اسیمونگر و شپارد (۲۰۰۳) هیچ تفاوت معناداری بین رشته‌های مطالعه خود نیافتند. شاید یکی از دلایل یافته‌های متفاوت در مورد رشته‌های تحصیلی این باشد که در پژوهش‌های ذکر شده بالا، رشته‌های گوناگون (رشته‌های انسانی و فنی مهندسی و تجربی) مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین یافته‌های بدست آمده در این رابطه باید با دقت مورد تفسیر قرار گیرند. از طرف دیگر، پیکاک (۲۰۰۱) ادعا می‌کند که رشته‌های علوم انسانی بیشتر تمایل به یادگیری انفرادی دارند در حالی که رشته‌های فنی و مهندسی، ترجیحی به کار انفرادی ندارند. به طور خلاصه، کرونبرگ (۱۹۹۵) بر این باور است که همسو سازی بین روش تدریس و روش یادگیری باعث ارتقا یادگیری از طرف فراگیران می‌شود.

۶- نتیجه‌گیری

سبک‌های یادگیری ادراکی یکی از عواملی است که بر یادگیری زبان تاثیر می‌گذارد. سبک‌های یادگیری ویژگی‌های نسبتاً پایدار شناختی و عاطفی فرد را شامل می‌شوند که فرد تمایل دارد اطلاعات را به صورت طبیعی و از روی عادت دریافت و پردازش کند. بنابراین، این پژوهش به بررسی سبک‌های غالب یادگیری ادراکی دانشجویان زبان انگلیسی پرداخت. همچنین رابطه متغیرهایی مانند سن، جنسیت، ترم تحصیلی، مقطع تحصیلی، سطح بسندگی، و رشته‌های زبان انگلیسی با سبک‌های یادگیری ادراکی مورد مطالعه قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش بر نتایج مطالعات گذشته، اینگونه صحنه می‌گذارد که دانشجویان ایرانی دارای چند سبک یادگیری اصلی‌اند که عبارتند از: جنبشی، بساواپی، دیداری، و شنیداری به همراه دو سبک اولویت فرعی که فردی و گروهی را شامل شدند. جنسیت نقش مهمی در شکل‌گیری سبک‌های یادگیری دارد و هدف از تفکیک جنسیتی در این مطالعه، کسب اطلاعات مفید درباره سبک‌های یادگیری مردان و زنان بوده که متعاقباً منجر به ارائه روش‌های تدریس

گونگون بشود که پاسخی به نیازهای آن‌ها باشد. همانطور که آکسفورد (۱۹۸۹) بیان می‌کند «سبک‌های یادگیری می‌توانند مهمترین عامل موثر بر عملکرد یادگیری زبان باشند». اما این نکته را هم باید مد نظر قرار داد که تنها سبک‌های یادگیری، عامل پیشرفت یک فراگیر زبان نیست. عواملی چون روش‌های یادگیری، انگیزه، و غیره در یادگیری هم نقش به‌سزایی ایفا می‌کنند.

از یافته‌های این مطالعه می‌توان در امر آموزش زبان انگلیسی برای دانشجویان ایرانی و تهیه و تدوین کتاب درسی متناسب با سبک‌های یادگیری آن‌ها بهره گرفت. برای ارتقا یادگیری در دانشجویان ایرانی می‌توان فعالیت‌هایی نظیر استفاده گوناگون از ابزارهای آموزشی، به کارگیری انواع بازی‌ها، اجرای نقش (Role play)، و هر گونه فعالیتی که با تحرک در هنگام یادگیری در ارتباط باشد را مورد استفاده قرار داد. همچنین معلم باید سبک یادگیری دانش‌آموزان خود را بداند و برای تدریس از سبک‌های گوناگون برای تدریس استفاده کند. مدرس باید از روش‌های مختلف تدریس در آموزش به کار ببرد که پاسخی به نیازهای فراگیران باشد تا یادگیری ارتقا یابد.

۷- محدودیت‌ها و پیشنهادها

در پایان بیان این نکته حائز اهمیت است که مطالعه کنونی دارای محدودیت‌های متعددی است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تنها یکی از موارد تفاوت‌های فردی (یعنی سبک‌های یادگیری) مورد مطالعه قرار گرفت. مطالعات آینده می‌توانند تاکتیک‌های یادگیری یا انگیزه را در ارتباط با یادگیری بررسی کنند. مطالعه حاضر، تنها بر روی دانشجویان رشته‌های زبان انگلیسی متمرکز بود و بدین جهت لازم است مطالعات پیش رو مرتبط با دانشجویان رشته‌های دیگر باشد.

سیاس و قدردانی

بدین وسیله از سه داور محترمی که با بررسی‌های دقیق خود و ارائه نکات مفید برای بهتر شدن این مقاله ما را یاری کردند، نهایت قدردانی و تشکر را داریم. همچنین، از کلیه دانشجویانی که در این مطالعه شرکت کردند تشکر به عمل می‌آید. نسخه اولیه این مقاله در کنفرانس IELTI-8 به تاریخ ۲۹ شهریور ماه ۱۳۹۶ در دانشگاه تهران ارائه گردید.

۸- منابع

فاطمی حسینی، آذر و پیشقدم، رضا (۱۳۸۷). تاثیر فرهنگ در سبک های غالب یادگیری ادراکی. *جستارهای نوین ادبی*، سال ۴۱ شماره ۱۶۱، ۵۹-۷۳.

DeCapua, A., & Wintergerst, A. (2005). Assessing and validating a learning styles instrument. *System*, 33(1), 1-16. doi: org/10.1016/j. system.2004.1 0.003

Dörnyei, Z. (2005). *The psychology of the language learner: Individual differences in second language acquisition*. Mahwah, NJ: Erlbaum.

Dybvig, T. (2004). *Learning styles*. Retrieved May 16, 2008, from <http://www.teresadybvig.com/learnsty.htm>.

Earley, C., & Ang, S. (2003). *Cultural intelligence: Individual interactions across cultures*. Palo Alto, CA: Stanford University Press.

Ehrman, M. E. (1996). *Understanding second language difficulties*. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications. doi: org/10.4135/9781452243436

Ehrman, M. E. (1999). Ego boundaries and tolerance of ambiguity in second language learning. In: Arnold, J. (Ed.), *Affect in Language Learning* (pp. 68-86). New York, NY: Cambridge University Press.

Ehrman, M. E., & Oxford, R. L. (1995). Cognition plus: Correlates of language learning success. *The Modern Language Journal*, 79(1), 67-89. doi: 10.2307/329394

Guild, P. B., & Garger, S. (1985). *Marching to different drummers*. Alexandria, VA: Association for Supervision and Curriculum Development.

Hyland, K. (1993). Culture and learning: A study of the learning style preferences of Japanese students. *RELC Journal*, 24(2), 69-91. doi: 10.1177/003368829302400204

Isemonger, I., & Sheppard, C. (2003). Learning styles. *RELC Journal*, 34(2), 195-222. doi:10.1177/003368820303400205

Isemonger, I., & Sheppard, C. (2007). A construct-related validity study on a Korean version of the perceptual learning styles preference questionnaire. *Educational and Psychological Measurement*, 67(2), 357-368. doi: 10.1177/0013164406292073

Itzen, R. (1995). *The dimensionality of learning structures in the Reid perceptual learning style preference questionnaire*. Unpublished Doctoral dissertation, University of Illinois, Chicago.

Joy, S., & Kolb, D. A. (2009). Are there cultural differences in learning style? *International Journal of Intercultural Relations*, 33(1), 69-85. doi: org/10.1016/j.ijintrel.2008.11.002

Kroonenberg, N. (1995). Meeting language learners' sensory-learning-style preferences. In Reid, J. M. (Ed.), *Learning Styles in the ESL/EFL Classroom* (pp. 74-86). Boston, MA: Heinle & Heinle Publishers.

- Liversidge, G. (1996). Learning styles: an attempt at a quantitative assessment. *Otsuma Women's University Bulletin* 28, 93-114.
- Melton, C. (1990). Bridging the cultural gap: A study of Chinese students' learning style preferences. *RELC Journal*, 21(1), 29-51. doi: 10.1177/003368829002100103
- Montgomery, S. M. (1995). *Addressing diverse learning styles through the use of multimedia*. Retrieved April 22, 2008, from <http://fie.engrng.pitt.edu/fie95/3a2/3a22.htm>
- Naserieh, F., & Anani Sarab, M. R. (2013). Perceptual learning style preferences among Iranian graduate students. *System*, 41(1), 122-133. doi:10.1016/j.system.2013.01.018
- Oxford, R. L. (1989). *The role of styles and strategies in second language learning*. ERIC Digest. (ERIC Document Reproduction Services No. ED317087).
- Oxford, R. L. (1995). Gender differences in language learning styles: What do they mean? In J. M. Reid (Ed.), *Learning styles in the ESL/EFL classroom* (pp. 34-46). Boston, MA: Heinle & Heinle Publishers.
- Park, C. C. (2002). Crosscultural differences in learning styles of secondary English learners. *Bilingual Research Journal*, 26(2), 213-229. doi: org/10.1080/15235882.2002.10668720
- Peacock, M. (2001). Match or mismatch? Learning styles and teaching styles in EFL. *International Journal of Applied Linguistics*, 11(1), 38-58. doi: 10.1111/1473-4192.00001
- Reid, J. M. (1984). *Perceptual Learning Style Preference Questionnaire*. University of Wyoming, Department of English, Laramie.
- Reid, J. M. (1987). The perceptual learning style preferences of ESL students. *TESOL Quarterly*, 21(1), 87-111. doi: 10.2307/3586356
- Reid, J. M. (1995). *Learning styles in the ESL/EFL Classroom*. Boston, MA: Heinle & Heinle.
- Reynolds, M. (1997) Learning Styles: A critique. *Management Learning*, 28(2), 115-133. doi: 10.1177/1350507697282002
- Riazi, A., & Mansoorian, M. A. (2008). Learning style preferences among Iranian male and female EFL students. *The Iranian EFL Journal*, 2, 88-100.
- Rossi-Le, L. (1989). *Perceptual learning style preferences and their relationship to language learning strategies in adult students of English as a second language*. Unpublished doctoral dissertation, Drake University, Des Moines.
- Rossi-Le, L. (1995). Learning styles and strategies in adult immigrant ESL students. In Reid, J. M. (Ed.), *Learning Styles in the ESL/EFL Classroom* (pp. 118-125). Boston, MA: Heinle & Heinle.
- Sternberg, R., & Grigorenko, E. (1997). Are cognitive styles still in style? *American Psychologist*, 52(7), 700-712.

- Sternberg, R., & Grigorenko, E. (1997). Are cognitive styles still in style? *American Psychologist*, 52(7), 700–712.
- Thelen, H. (1954). *Dynamics of groups at work*. Chicago, IL: University of Chicago Library.
- Uhrig, K. (2015). Learning styles and strategies for language use in the context of academic reading tasks. *System*, 50, 21-31. doi:org/10.1016/j.system.2015.02.002
- Wintergerst, A. C., DeCapua, A., & Itzen, R. C. (2001). The construct validity of one learning styles instrument. *System*, 29(3), 385-403. doi: 10.1016/S0346-251X(01)00027-6
- Yamashita, S. (1995). The learning style preferences of Japanese returnee students. *ICU Language Research Bulletin* 10, 59-75.